

تصمیمات جدی تری در انتظار ایران است

مصاحبه با دکتر یزدی

دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران، برخلاف برخی از تحلیلگران که موارد ذکر شده در قطعنامه تحریم شورای امنیت را فاقد تاثیرگذاری زیاد می دانند، تاکید دارد که این قطعنامه " لحن تنیدی دارد". وی در مورد تهدید مقامات ایرانی به قطع صادرات نفت به غرب می گوید: "این یک شمشیر دو لبه است. وقتی ۸۰ درصد بودجه به نفت وابسته است و دولت جدید ذخایر را صرف هزینه های جاری کرده و سطح واردات ما نیز طی ۵۰ سال گذشته بی سابقه بوده و به ۶۰ میلیارد در سال رسیده، در صورت قطع فروش نفت، از آن فقط می توان به خودزنی تعبیر کرد".

۶ دی ۱۳۸۵

بالاخره تحریم ها علیه ایران با قطعنامه چند روز پیش شورای امنیت آغاز شد. نظر شما در مورد این قطعنامه چیست؟

قطعنامه ای که صادر شده به اتفاق آراست و لحن تنیدی هم دارد. گرچه محدودیت ها و تحریم های پیش بینی شده به شدتی که بعضی کشورها مثل آمریکا می خواهند تند نیست اما لحن آن بسیار جدی است. در موارد متعددی به گزارش دبیرکل آژانس استناد می کند مبنی بر اینکه ایران حاضر به همکاری نشده یا در مواردی جواب نداده است. یعنی آژانس به شورای امنیت می گوید ایران حاضر به همکاری نیست. از این نظر بسیار قاطع است. اما در مورد نوع تحریم های تصویب شده، آن چیزی نیست که آمریکایی ها می خواستند؛ دلیل آن هم این است که می خواهند در برخورد با ایران اجماع جهانی را داشته باشند. لذا با سبک و سنگین کردن شرایط به این نتیجه رسیده اند که لحن چنین قطعنامه ای و تصویب آن به اتفاق آرا خیلی بهتر از دادن قطعنامه تنیدی است که با اعتراض یا حتی وتوی روسیه و چین رو به رو شود.

یعنی تصور شما این است که این قطعنامه اجرایی خواهد شد؟

چیزهایی که در این جا خواسته اند حتما اعمال خواهد شد. در پیوست این قطعنامه هم لیستی را آورده و طی چهار بند، افراد و نهادهای درگیر در برنامه های هسته ای و همچنین برنامه های بالستیک را اعلام کرده اند، یعنی این افراد نمی توانند حتی به صورت ترانزیت از کشورهای عضو سازمان ملل عبور کنند. در جای دیگر نیز کمیته ای را برای پیگیری و نظارت بر این بندها معین کرده اند. این کمیته هم می گوید تمام دولت های عضو سازمان ملل موظف اند کلیه اعتبارات و دارایی های مالی و سایر منابع مالی را که در قلمرو این برنامه ها قرار دارند، مسدود کنند. یعنی قطعنامه لحن سنگینی دارد. از طرف دیگر با توجه به اینکه دولت ایران هم از قبل گفته قطعنامه را نمی پذیرد و همچنین با توجه به واکنش مسئولان ایران - که به نظر من واکنشی پرخاشگرانه و غیردیپلماتیک بوده است - قطعاً وضعیت به نقطه ای می رود که حتی در فرصت ۶۰ روزه هم اگر ایران تمکین نکند تصمیمات جدی تر مورد موافقت چین و روسیه قرار خواهد گرفت.

واکنش دیپلماتیک مسئولین ایرانی چه باید می بود؟ قبول بی قید و شرط قطعنامه؟

ایران نباید اجازه می داد کار به این جاها برسد. یعنی پیشگیری بهتر از درمان است. در همین ارتباط بسته پیشنهادی ۱+۵ به ایران فرصت خوبی بود. در همان زمان ما پیشنهاد دادیم که این بسته را با شرایطی بپذیریم. مثلا در آن جا گفته بودند که محدودیت فروش هواپیماهای مسافری را بر می داریم. ایران باید می گفت این کافی نیست، چون شما می توانید قطعات را نفروشید، آمریکا باید مخالفت خود را با خط لوله نفت و گاز آسیای مرکزی به خلیج فارس یا به هند و پاکستان پس بگیرد. چون اینها برای ما اهمیت استراتژیک دارد. ما در همان موقع گفتیم که نمی توان روی اعتراض یا وتوی چین حساب کرد. در واقع مخالفت آنها برای عقب انداختن تصمیم نهایی و گرفتن امتیاز دوجانبه از ایران و آمریکا بود. اما شرایط جهانی به گونه ای نیست که بتوانند مقاومت کنند. ایران باید در همان زمان این فکرها را می کرد.

الان که قطعنامه صادر شده است، باید چه کرد؟

با تهدید به خروج از ان پی تی وضعیت بدتر می شود. آقایانی که در راس امور هستند باید بدانند واکنش های تند صرفا موجب می شود روسیه و چین نیز در جبهه مخالف ما قرار بگیرند. دولت باید توجه کند که سیاست آمریکا در مورد ایران برخلاف عراق، تصمیمی فردی نیست. بعضی حرف ها نباید زده می شد و امروز هم نباید زده شود. بایر سعی کرد این را در همین مرحله متوقف کنند؛ حتی چنانچه امر بر این باشد که ایران غنی سازی را متوقف کند به نظر من منافع ملی ایران حکم می کند آن را بپذیریم. چون مثلا فکر کنید اگر بخواهند بحث تحریم را جدی کنند، تحریم بعضی اقلام، چه ضرباتی به ما می زند.

مثال می زنید؟

مثلا تحریم بنزین. نه تحریم خرید نفت، بلکه تحریم فروش بنزین که ضربه زیادی به ما می زند. آیا منافع ملی ما این است که غنی سازی متوقف شود و از نظر بنزین خودکفا باشیم یا اینکه دنبال صنعتی برویم که ما را به چنین مشکلاتی دچار می کند؟

و اگر مقامات ایرانی تهدیدات خود را عملی کنند؟

اگر ایران در این ۶۰ روز نتواند نظر آژانس را جلب کند هر چه جلوتر برویم اجماع علیه ایران و فشار آمریکا برای تحریم گسترده علیه ایران نیز بیشتر خواهد شد.

شما بحث استفاده از اهرم نفت را که در صحبت های مسئولین آن را می شنویم چگونه ارزیابی می کنید؟

وقتی ما می گوئیم باید آنرا از حالت شعارگونه بیرون بیاوریم. این یعنی آنکه ایران نفت خود را به این کشورها نمی فروشد. آیا ایران می تواند بگوید نفت را به اروپا و چین و روسیه نمی فروشیم؟ این یک شمشیر دو لبه است. وقتی ۸۰ درصد بودجه به نفت وابسته است و دولت جدید ذخایر را صرف هزینه های جاری کرده و سطح واردات ما نیز طی ۵۰ سال گذشته بی سابقه بوده و به ۶۰ میلیارد در سال رسیده، در صورت قطع فروش نفت، از آن فقط می توان به خودزنی تعبیر کرد. فعل و انفعالات اخیر در خاورمیانه و موضع عربستان و کویت بخصوص در عراق که جنگ را به سمت شیعه و سنی می برند - آنها با بالا بردن تولید نفت خودشان آن گونه که ملک عبدالله در چین اعلام کرده - خلافت ایران را در

بازارهای جهانی جبران می کنند. بنابراین اگر ایران تصور می کند می تواند از حربه نفت استفاده کند تنها به ضرر خودش است.

و فکر می کنید مواضع مقامات ایرانی بر روی اجماع علیه ایران تاثیر داشته؟

اخیرا یک اسرائیلی مقاله ای نوشته و رسماً از آقای احمدی نژاد تشکر کرده است. آقای احمدی نژاد باید ببیند مساله هولوکاست که متعلق به بیش از نیم قرن پیش است، در سیاست خارجی ما چه نقشی دارد؟ آقای احمدی نژاد حتی در مورد سمینار بدترین کار را کرده، یعنی خودش آن را افتتاح کرده است! وقتی هم با اشکال مواجه می شود می گوید ما نگفتیم که نیست بلکه در حال بررسی آن هستیم. در حالی که حرف قبلی آقای رییس جمهور در تناقض با این حرف است. آیا بهتر نبود از دانشگاه ها و روسای آنها که خود آقایان آن ها را سرکار گذاشته اند استفاده می کردند؟ علاوه بر این چرا باید دولت ایران از بودجه عمومی هزینه کند تا نه تنها افراد ضد یهود بلکه افراد نژادپرست را وارد ایران کند؟ رییس کولکس کلان های آمریکا یک جانی بوده که سیاه پوست ها را مثله می کرده، با مسلمان ها به شدت مخالف بوده و کسی است که روحانیون ما را افرادی می داند که "پوشک بچه" روی سرشان می گذارد. آقای رییس جمهور محترم! با چه هدفی این شخص را دعوت کردی؟ دستاوردش چه بود؟ من هیچ گونه درایت و عقلانیت سیاسی در این امور نمی بینم. ما سابقه طولانی در کمک به فلسطینی ها داریم. در هر زمانی باید به آنها کمک کرد. اما اینکه آقای رییس جمهور اعلام می کند حقوق عقب افتاده کارمندان فلسطینی را می دهیم، در حالیکه کارگران ایرانی را که بیش از ۷ ماه حقوق نگرفته اند به جای دادن حقوقشان، دستگیر می کنیم، این حرکت چه معنی دارد؟ انگار دوستانی که تصمیمات را می گیرند کلاً در باغ مسایل بین المللی نیستند